



تیرنگ | Tirang

مجری تبلیغات محیطی و مجازی

گورگان: خیابان امام خمینی (ره)
آفتاب ۲۴، نبش دارویی دوم

☎ ۰۱۷۳۲۲۰۴۶۷۹ | @ Tirang.Studio | 📠 ۰۹۱۱۲۶۸۳۳۵۷
📧 tirang.advertising@gmail.com

یادداشت اول

تبادل نداریم

با مسولیت سردبیر

فرض کنید در خیابان با شهروندی برخورد می کنید که مبادی آداب است، حق تقدم را رعایت می کند، انرژی منفی ندارد، شمرده سخن می گوید. آرام گام بر می دارد و ... شما به این شهروند می گوید او شهروند متعادلی است و اگر بپرسند چرا متعادل است به راحتی می توانید نشانه های تعادل را در رفتار و برخورد او بر شمارید، اینک اما پرسش این است، در زندگی روزمره ما چه تعداد انسانهای متعادل حضور دارند؟ آیامی توان با قانون و اجبار و تحکم تعادل را به انسانها و زندگی آنها هدیه داد؟ برای نمونه اگر حساب بانکی شما مختل شده باشد؟ آیا شما می توانید آزمایشگاه را حفظ کنید؟ اگر یک خودرو جلوی شما بپیچد می توانید نرم و متین برخورد کنید؟ و یا اگر از مدرسه فرزندتان تماس بگیرند و از رفتارهای ناپهناجبار او گلایه کنند؟ و یا وقتی در آمد ماهانه اتان کفاف حساب و کتاب و کتاب زندگیتان را ندهد، می توانید متانت خود را حفظ کنید؟ پاسخ آن آشکار است. اگر اتفاقی که منجر به از هم گسیختگی روح و روان شما افتاده است تنها یک استثنا باشد، قطعا در کوتاه مدتی، خود را باز خواهید یافت اما در دراز مدت، اندک اندک شما فرسوده می شوید و توان رفتاری منطقی و متعادل از شما سلب می شود و در نتیجه رفتارهایی از شما بروز می کند که با رفتارهای معیار فاصله خواهد داشت و گاه ممکن است بسیار تاسف بار و مخرب باشد اما رفتار لحظه ای و تخریبی شما اگر چه ممکن است در کمتر از یک صدم ثانیه اتفاق بیفتد ولی قطعا به مانند کوه یخی است که تنها نوک آن پدیدار شده است. همین مفهوم در زندگی اجتماعی شهروندان هم کار برد دارد، وقتی بر اساس نظر کارشناسان نزدیک به یک دهه تولید ناخالص ملی و اقتصاد کشور در جا ایستاده است. هنگامی که قیمتها هر روز افزایش پیدا کرده است و درآمدها به دلایل گوناگون توان رقابت با افزایش را ندارند و در نتیجه تعادل زندگی فرهنگی، اجتماعی شهروندان در نتیجه بی سامانی اقتصاد به هم ریخته است...

ادامه در صفحه ۲

مدارس کمبود
مربی بهداشت دارند



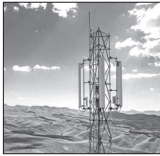
۲

پلمب ۴ واحد صنفی
متخلف در آزادشهر



۲

پوشش ۱۰۰ درصدی
اینترنت پرسرعت در روستاها



۳

گلشمن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و چهارم / شماره ۲۵۴۴ / صفحه ۲۵۰۰ تومان



زنان ستون
کشاورزی استان
« ۱ »



پرچم ماه می
برافراشته باد
« ۷ »



سینما
« ۵-۴ »

چشم انتظار قیمت گندم



علیرضا صدرایی: گلستان استانی کشاورزی است. استانی که نزدیک به نیمی از جمعیت آن در روستاها زندگی می کنند و طبیعی است که به شغل کشاورزی و یا دامداری مشغول باشند. بنابراین هر تصمیمی در حوزه سیاستگذاری کشاورزی بر زندگی روزمره نیمی از گلستانی ها به طور مستقیم و غیر مستقیم تاثیر می گذارد و از این جهت سفره معیشت شهروندان گلستانی با تصمیم سازی های مسولین کوچک و بزرگ می شود. یکی از این نمونه ها، تصمیم دولت در قیمت گذاری گندم است. در این باره دکتر قربانعلی روشنی رییس سابق سازمان پنبه و صاحب نظر در مسایل کشاورزی با توجه به قیمت جهانی گندم، حداقل قیمت را بیست و پنج هزار تومان در هر کیلو ارزیابی می کند و می گوید: با توجه به قیمت جهانی چهار صد دلار برای یک تن گندم و قیمت روز دلار، دولت برای خرید هر کیلو گندم خارجی بایستی حدود بیست هزار تومان پرداخت کند و با احتساب حداقل بیست و پنج درصد هزینه های

برای خرید این محصول اعلام کرد که باعث نگرانی کشاورزان عزیز گردیده است، در حالی که اعلام نرخ جدید باید با مصوبه شورای قیمت گذاری محصولات کشاورزی در مجلس باشد. نوروژی با اشاره به خشکسالی سالجاری و میزان برداشت پایین گندم از مزارع دیم و آبی که نیاز جدی به آب دارند، افزود: نرخ خرید تضمینی برای گندم که از سوی سخنگوی دولت اعلام شده مشوق مناسبی برای تحویل این محصول به سیلوهای دولتی نیست، لذا پایین بودن قیمت گندم باعث می شود تا این محصول استراتژیک از چرخه مصرف خارج و با توجه به بالا بودن قیمت نهاده های وارداتی به خوراک دام تبدیل شود. نایب رئیس اول کمیسیون کشاورزی مجلس افزود: پایین بودن میزان گندم برداشت شده در سال زراعی جاری و از سوی دیگر عدم تحویل به دولت باعث می شود که برای تامین نیاز داخلی مجبور به واردات گندم با قیمت بسیار بالایی بشویم.

ادامه در صفحه ۲

نرخ خرید تضمینی گندم بر اساس اصلاح قانون تضمین خرید محصولات اساسی کشاورزی عمل نکرده و مجلس بر اساس وظیفه نظارتی خود این موضوع را در کمیسیون کشاورزی بررسی و قیمت تضمینی خرید این محصول استراتژیک را ۱۷ هزار تومان پس از تصویب در شورای قیمت گذاری مجلس شورای اسلامی به وزارت جهادابلاغ کرد. نماینده مردم علی آباد کنول در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: سخنگوی دولت در اقدامی غیرکارشناسی، عدد پایین تری را

حمل و نقل، بیمه و... قیمت تمام شده هر کیلوگرم وارداتی حدود بیست و پنج هزار تومان خواهد شد و با توجه به اهمیت تولید این محصول راهبردی سوال این است چرا دولت قیمت پانزده هزار تومان را برای خرید از کشاورزان تعیین کرده است. در همین باره رحمت الله نوروژی نایب رئیس اول کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در خصوص نحوه تعیین نرخ خرید تضمینی و میزان خرید گندم در سال جاری توسط دولت می گوید: متأسفانه دولت در زمینه تعیین

ادامه تیترو اول

و مشوق خوبی برای کشاورزان زحمتکش جهت ادامه مسیر در این شغل پر زحمت باشد و هر گونه نرخ جدید الزاما باید با تصویب شورای قیمت گذاری محصولات کشاورزی مجلس باشد. نماینده مردم علی آبادکتول افزود: مبلغ مصوب مجلس با بررسی همه جانبه مصالح کشور و منافع کشاورزان و قدرت خرید مصرف کنندگان تعیین شده است. اما سرپرست وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به آغاز فصل برداشت گندم، هشتم اردیبهشت به رسانه ها گفته است: در حال حاضر

نوروزی عنوان کرد: بر این اساس شورای قیمت گذاری محصولات کشاورزی مجلس شورای اسلامی قیمت گندم اعلامی در قالب خرید تضمینی با انگیزه تحویل این محصول به سیلوهای دولتی را ۱۷ هزار تومان در نظر گرفته تا جبران خشکسالی و برداشت پایین محصول برای کشاورز در شرایط خشکسالی فراهم گردد

فصل برداشت گندم است. ما پیش بینی کردیم که امسال حداقل ۸ میلیون تن گندم از کشاورزان خریداری کنیم. هر چند که قیمت گندم مشخص نشده اما تاکنون حدود ۳۰۰ هزار تن گندم در خوزستان خریداری شده است. آقا میری ادامه داده است: در وزارت جهاد کشاورزی اعتقاد داریم بلافاصله بعد از اینکه کشاورزان گندم را تحویل سیلوها دادند، باید پول آن را به حساب آنها واریز کنیم و این کار برای استان خوزستان انجام شد. البته مبلغی که به حساب کشاورزان واریز شد حدود

۲۵۰ میلیارد تومان بود و این کل مبلغ نیست و به صورت علی الحساب است. آقامیری گفت: باقی مانده این عدد بعد از اینکه شورای سیاستگذاری محصولات کشاورزی قیمت گندم را مشخص کرد، به حساب کشاورز واریز خواهد شد. هر چند هنوز نرخ قطعی گندم اعلان نشده است اما با توجه به نرخ جهانی گندم و افزایش شتابان قیمتها در داخل کشور و شرایط عمومی کشاورزی در گلستان انتظار آن است نرخ مصوب، گندم کاران را ناامید نکند.

ادامه یادداشت اول

تعادل نداریم

در چنین شرایطی در جامعه ای نامتعادل زندگی می کنید و هر لحظه باید در انتظار یک اتفاق باشید. یک روز نگرهان بانک حتی بدون خصومت شخصی یک شهروند دیگر را بر اساس تحلیل های آشفته ذهنی خود به گلوله بندد و روز دیگر یک راننده پراید یک شهروند دیگر را به زمین بکوبد و یا ... مساله این است که تعادل از زندگی شهروندان رخت بر بسته است و آنها نمی توانند به زندگی پر دغدغه روزمره سر و سامان دهند و این اتفاقات نتیجه آن سیاستها و تصمیم سازی هاست که حالا خود را نشان میدهد. بنابراین بد نیست مسوولان کمی کلاه خود را بالاتر بگذارند و ناتوانی هایشان در تمشیت امور را با کم لطفی های دیگر به دخل و خرج مردم تکمیل نکنند که جناب سعدی زیبا فرموده است: تیر از کمان چورفت نیاید به شست باز پس لازم است در همه کاری تاملی

مدارس کمبود مربی بهداشت دارند



مدیرکل آموزش و پرورش گلستان با اشاره به کمبود مربی بهداشت در مدارس این استان گفت: این استان ۱۷۷ مربی بهداشت و مراقب سلامت دارد که با توجه به فعالیت ۳ هزار مدرسه در گلستان، این تعداد جوابگوی نیاز استان نیست. به گزارش ایرنا، سیدرضا نظری در مراسم نواخته شدن زنگ سلامت در دبستان دخترانه حسین رجبی استرآبادی گرگان اظهار کرد: بخشی از این کمبود با آموزش ۵۳ هزار دانش آموزان برای تربیت سفیران سلامت برطرف شده اما امیدواریم با جذب نیروی متخصص این کمبود به طور کامل برطرف شود. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان با بیان این که برای ارائه خدمات بهتر به فرهنگیان، ۲ درمانگاه در گرگان و گنبدکاووس راه اندازی شده که در حال گسترش و تجهیز است، گفت: این ۲ درمانگاه شرایط دولتی دارند و در تلاش هستیم برای ارائه خدمات بیشتر، به صورت عمومی غیردولتی درآیند تا بتوان خدمات بیشتری به مردم ارائه داد. رییس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی گلستان هم در این مراسم گفت: دانش آموزان نیروی کار و مدیران تاثیرگذار آینده ایران خواهند بود که این رشد و بالندگی باید با سلامت و تندرستی همراه باشد. سعید گل فیروزی اظهار کرد: فعالیت های حوزه بهداشت و درمان دانشگاه علوم پزشکی با محوریت سلامت و بهداشت مدارس در تمام فصول سال به طور

شاهد آغاز عملیات اجرایی هشت مرکز جامع سلامت شهری و روستایی و چهار خانه بهداشت در نقاط مختلف این استان خواهیم بود. وی ادامه داد: امیدواریم با این طرح ها و پروژه ها و سایر طرح ها و پروژه های حوزه بهداشت و درمان در طول سال، شاهد ارتقای کمی و کیفی سلامت دانش آموزان باشیم.

مستمر ادامه دارد، اما در هفته سلامت (از نهم تا پانزدهم اردیبهشت) این فعالیت ها پررنگ تر است. رییس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی گلستان گفت: امسال در هفته سلامت ۷۰۰ میلیارد ریال طرح و پروژه در حوزه بهداشت و درمان افتتاح و مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. گل فیروزی افزود: همچنین در این ایام

افزاده می شود. حیدریان گفت: بقیه نیاز شهر گرگان نیز از طریق شناسایی ۴۰ حلقه چاه آب زراعی جبران خواهد شد. مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب گلستان اضافه کرد: با توجه به شرایط ذکر شده، تابستان امسال سال سختی را در تأمین و توزیع آب شرب گرگان خواهیم داشت و مدیریت در مصارف خانگی و کشاورزی، ضروری است.

هزار و ۳۹۵ لیتر در ثانیه است. حیدریان افزود: در حوزه تأمین آب شرب در گرگان با ۲۷ درصد ناترازی بین تولید و مصرف مواجه هستیم که باید با راهکارهای کوتاه مدت این کمبود را برطرف کنیم. وی افزود: ۵۱۹ لیتر در ثانیه کمبود آب شرب در شرایط اوج مصرف برای گرگان خواهیم داشت که ۱۵۰ لیتر در ثانیه آن تأمین و به زودی

مدیر عامل آب و فاضلاب گلستان با اشاره به مصرف هزار و ۹۱۴ لیتر بر ثانیه آب شرب در گرگان گفت: ۲۷ درصد ناترازی در تولید و مصرف آب شرب در گرگان داریم. به گزارش روابط عمومی، ایرج حیدریان اظهار کرد: بررسی های آماری بیانگر آن است که حداکثر مصرف آب شرب برای مشترکان گرگان، هزار و ۹۱۴ لیتر در ثانیه و میزان تولید کنونی،

آب شرب گرگان ۲۷ درصد ناترازی در تولید و مصرف



پلمب ۴ واحد صنفی متخلف در آزادشهر

جانشین فرمانده انتظامی آزادشهر از پلمب چهار واحد صنفی به دلیل عدم رعایت شئون اسلامی و بدحجابی در این شهر خبر داد. به گزارش مهر، محمدرضا میردار اظهار کرد: در راستای اجرای طرح ارتقا امنیت عمومی و پیشگیری از وقوع تخلفات صنفی، مأموران اداره نظارت بر اماکن عمومی شهرستان، با هماهنگی مقام قضائی ۱۶ واحد صنفی را بازدید که چهار واحد متخلف پلمب شد. جانشین فرمانده انتظامی آزادشهر گفت: این واحدهای صنفی متخلف به دلیل عدم رعایت شئون اسلامی و بدحجابی و بدپوششی پلمب شدند. وی بیان کرد: متصدیان واحد صنفی متخلف پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به دستگاه قضائی معرفی شدند.

آگهی ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی گمیشان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه

از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- آقای عبدالغفور نجفی فرزند نورمحمد شماره شناسنامه ۲۳ صادره گمیشان و کد ملی ۶۲۸۹۵۱۶۴۵ مبنی بر صدور سند مالکیت شش دانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۲۳۳/۶۱ متر مربع جزئی از پلاک ۱۴۱ فرعی از ۱۱ اصلی بخش ۵ واقع در (ارخ بزرگ) ضلع غربی روستای گامشلی نزار جنب سازمان وهاب گلی فر خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای ابراهیم قلی اویسی فرزند اوده برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۲۰۳۰۳۳۶۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۸ و کلاس ۱۰۷۶/۲۰۰۳۰۱۱۴۴۱۲۰۰۳۰۳۳۶۹

تاریخ انتشار نوبت اول: دو شنبه ۱۴۰۲/۲/۱۱

تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۲/۲/۲۷

عیسی حسن قاسمی - سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک گمیشان م.الف: ۵۴

گلشن مهر

۰۱۷۳۲۲۴۳۰۲

دسترنج زارعان بر باد نرود

اعلام نرخ ۱۵ هزار تومانی برای خرید گندم از سوی سخنگوی دولت بدون طی پروسه قانونی، گلایه‌های کشاورزان و نمایندگان را به همراه داشته که انتظار است با درایت مسئولان این نگرانی برطرف شود. به گزارش مهر، تأمین ارزاق و مایحتاج و ارقام خوراکی و غذایی مردم از جمله مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های حاکمان و حاکمیت‌ها تلقی می‌شود که در اعصار مختلف و به فراخور شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقلیمی از اهمیت و رتبه متفاوت و البته حائز اهمیتی در راهبردهای کلان کشورها دارد. محصولات زراعی به ویژه غلاتی مانند گندم جایگاه مهمی در سبد ارزاق و ارقام خوراکی دارند، محصولاتی که به علت تحولات ژئوپلیتیکی یکی دو سال اخیر در کشورهای سوریه و اوکراین (مراکز اصلی تولید غلات جهان) مورد توجه بیشتر حاکمان و سران کشورهای مختلف قرار گرفته و همگان تلاش می‌کنند تا در مقوله امنیت غذایی به جایگاه مطمئن بی‌دغدغه‌ای دست یابند. فارغ از مباحث منطقه‌ای، دولت مردان جمهوری اسلامی ایران با لحاظ کردن شرایط اقلیمی، در سال‌های اخیر تلاش مضاعفی برای دست یابی به استقلال غذایی به ویژه در بخش محصولات زراعی در دستور کار قرار داده اند که حمایت از گندمکاران به عنوان تأمین کننده عنصر پایه نان (قوت غالب مردم) یکی از این رویکردها بوده است. حمایت و مساعدتی که نمره آن در میزان تولید محصولات استراتژیکی مانند گندم در سال‌های قبل نمایان و مشهود بود به طوری که هرگاه این حمایت رویه افزایشی داشت، میزان تولید و رغبت زارعان به کشت گندم هم افزایش یافت. افزایش قیمت خرید تضمینی، تأمین و توزیع نهاده‌های زراعی، کود و سم، پیش بینی حمایت‌های مالی و مشوق‌های مادی از جمله راهکارهای بوده که زمینه رغبت بیشتر زارعان به کشت این محصول را افزایش داده است.

قیمت پیشنهادی خرید تضمینی مورد قبول واقع نشد

علی رغم سیاست‌های کلان دولت سیزدهم برای حمایت عملی و قاطع از کشاورزان اما رقم پیشنهادی کمیسیون کشاورزی در جلسه بدوی شورای قیمت گذاری برای اصلاح قیمت خرید تضمینی گندم مورد قبول واقع نشد و با اعمال کاهش حدود ۱۲ درصدی قیمت روبرو شده است. کاهش حدود دو هزار تومانی از قیمت پیشنهادی اعتراض طیف وسیعی از کشاورزان نمایندگان مجلس و کارشناسان را در پی داشت. اهالی فن بر این باور هستند که با توجه به شرایط خاص اقلیمی و تحولات ژئوپلیتیکی

منطقه باید شاهد حمایت حداکثری دولت در زمینه گندم باشیم تا مقوله امنیت غذایی کشور به مخاطره نیفتد. اعتراض نمایندگان به نرخ گذاری گندم مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران کشور در این خصوص گفت: اعلام نرخ جدید خرید تضمینی گندم از سوی دولت منجر به وقوع اعتراضات گسترده‌ای از سوی کشاورزان شد تا جایی که شاهد اعتراضات زیادی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی بودیم. علیقلی ایمانی افزود: از بهمن ماه سال گذشته تلاش برای تغییر نرخ گندم در دستور کار بنیاد ملی گندمکاران قرار گرفت و با توجه به افزایش هزینه‌های تولید و قیمت جهانی گندم، مقوله تغییر قیمت با جدیت پیگیری شد. وی گفت: به دلایل گوناگونی موضوع اصلاح نرخ گندم، مدنظر مدیران شورای قیمت گذاری قرار نگرفت و هفته به هفته این موضوع به تأخیر افتاد تا اینکه بنده و همکاران اینجانب به ناچار مکاتباتی خطاب به رئیس جمهور تنظیم و رونوشت آن به کمیسیون کشاورزی مجلس و شورای قیمت گذاری ارائه شد. ایمانی افزود: این پیگیری‌ها منجر به شکل گیری جلسه‌ای در کمیسیون کشاورزی شد و اعضای کمیسیون متفق القول به عدد پیشنهادی ۱۷ هزار تومان رسیده و در اظهارات و مصاحبه‌های مختلف از آن حمایت کردند.

توثیت سخنگوی دولت و اعتراض کشاورزان

مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران کشور گفت: این مباحث از طرق مختلف در دست پیگیری بود تا اینکه سخنگوی دولت پس از تغییراتی که در وزارت جهاد کشاورزی انجام شد، توثیتی با موضوع اعلام قیمت گندم منتشر کرد و گفت: بنابر پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی و با تصویب هیأت دولت قیمت خرید تضمینی گندم کشاورزان هر کیلوگرم ۱۵ هزار تومان تعیین شد و دولت علاوه بر مبلغ ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت گندم، هزار و ۵۰۰ تومان برای بخشی از هزینه‌های کود و بذر و دو هزار تومان هم جایزه تحویل گندم برای



کشاورزان عزیز تصویب کرد. وی ادامه داد: توثیت بهادری جهرمی سبب شد تا کشاورزان معترض شده و کمپین‌هایی ایجاد شود و ما نامه سرگشاده خطاب به رهبر معظم انقلاب تنظیم و ارسال کردیم تا شاهد اجرای قانون در این رویه باشیم. حمایتی دولتی از کشاورزی اما در اینجا دولت به قانون عمل نکرده است، زیرا بر اساس قانون شورای قیمت گذاری، مسئول تعیین و اعلان قیمت محصولات کشاورزی است و قبل از تشکیل شورا، دولت مبادرت به اعلان نرخ کرده و این امر موجب اعتراض کشاورزان شد.

۱۷ هزار تومان عدد مناسبی است

وی گفت: انتظار بر آن است که عدد پیشنهادی ۱۷ هزار تومان در این جلسه به تأیید برسد و یا اینکه در راستای مدیریت تورم و حمایت از دولت با کاهش حداکثر هزار تومانی روبرو و نرخ با عدد ۱۶ هزار تومان نهایی شود. ایمانی بیان کرد: نرخ گندم بر مبنای یک فرمول تعیین شده و تلاش شده تا همه پارامترهای دخیل منظور شود. مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران کشور توضیح داد: با برآورد هزینه‌های تولید گندم و پیش بینی سود معقول حدود ۲۰ درصد برای کشاورز و همچنین لحاظ کردن قیمت جهانی گندم، تورم سالیانه و نرخ مبادله‌ای ارز قیمت ۱۷ هزار تومان به دست آمده است. ایمانی تأکید کرد: در کنار حمایت‌های ویژه ای در یکی دو سال اخیر از کشاورزان به ویژه گندمکاران انجام شده، انتظار است که کشاورزان هم به مقوله افزایش بهره وری و افزایش راندمان تولید توجه بیشتری داشته باشند تا بتوانیم به بالندگی حداکثری برسیم.

پیش بینی تولید ۱۲.۵ میلیون تن گندم در کشور

وی گفت: برآورد برداشت محصول برحسب سطح زیرکشت پنج میلیون و ۹۵۰ هکتار گندم آبی و دیم نشان می‌دهد که امسال بین ۱۲ تا ۱۲.۵ میلیون تن گندم در کشور تولید شود که بخش

عمده نیاز کشور را تأمین خواهد کرد. ایمانی بیان کرد: به طور کلی روند تولید گندم نسبت به سال گذشته بهتر است و انتظار است با توجه به افزایش نرخ گندم و البته همراهی بیشتر کشاورزان، امسال یک میلیون تن بیشتر از سال گذشته خرید گندم انجام شود. وی اعلام کرد: سال گذشته نزدیک ۷.۵ میلیون تن گندم توسط دولت خریداری شد که مابقی کسری هم از محل واردات تأمین شده بود. ایمانی در خصوص وضعیت گندمزارهای گلستان گفت: تولید گندم در گلستان امسال به دلیل خشکسالی در وضعیت بدی قرار دارد و بخش زیادی از اراضی دیم در گلستان قابل برداشت نیست و اراضی که در آن گندم سبز شده هم با خسارت بین ۲۵ تا ۷۵ درصد روبرو هستند.

۱۹ هزار تومان را پیشنهاد دادم

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی هم گفت: به نظر اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس رقم ۱۷ هزار تومان برای هر کیلوگرم گندم، رقم منصفانه‌ای است که می‌تواند هزینه‌های سم، کود، بذر، آب و اجاره زمین را جبران کند. رحمت اله نوروزی گفت: هر چند شخص بنده، عدد ۱۹ هزار تومان را پیشنهاد داده ام، ولی مجموعه کمیسیون روی عدد ۱۷ هزار تومان اجماع نظر دارند و بر اساس مصوبه مجلس، برای تعیین قیمت محصولات زراعی باید نظر شورای قیمت گذاری مد نظر قرار بگیرد. وی گفت: شورای قیمت گذاری با حضور وزیر جهاد کشاورزی، نمایندگان وزارت اقتصاد و دارایی، سازمان بودجه، بنیاد ملی گندمکاران، سازمان نظام مهندسی کشاورزی، سازمان صنایع کشاورزی، سازمان اتحادیه تعاون روستایی و دو کشاورز خبره کشوری تشکیل می‌شود و عددی که از این شورا اعلام شود، جنبه قانونی دارد. به گزارش خبرنگار مهر، بسیاری از کشاورزان چشم انتظار برگزاری جلسه شورای قیمت گذاری محصولات زراعی با محوریت گندم نشسته اند تا با تکیه بر رقم پیشنهادی، برای فروش دسترنج و گندم خود تصمیم‌گیری کنند. کارشناسان بر این باور هستند که اتخاذ و تصویب یک قیمت منصفانه می‌تواند نقش بسزایی در افزایش رغبت فروش محصول گندم از سوی کشاورزان به دولت داشته باشد و در سطح کلان خروج ارز از کشور برای خرید گندم را کاهش دهد. به روایت ساده‌تر، تمکین دولت برای احصا قیمت نهایی خرید گندم از طریق شورای قیمت گذاری نقش بسزایی در تحقق استقلال غذایی کشور خواهد داشت.

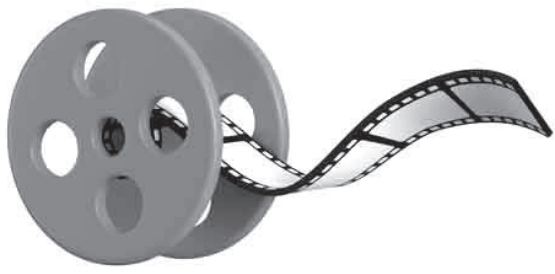


پوشش ۱۰۰ درصدی اینترنت پرسرعت در روستاها



معاون امور دولت، مجلس و استان‌های وزارت ارتباطات گفت: در هفته دولت جشن تمام کار اتصال روستاهای کشور به اینترنت پرسرعت برگزار می‌شود. به گزارش مهر، رضا باقری اصل در آئین تودیع و معارفه مدیر کل ارتباطات و فناوری اطلاعات گلستان اظهار کرد: توسعه اقتصاد دیجیتال از مهم‌ترین برنامه‌های دولت سیزدهم است و دو محور برای رسیدن به این هدف وجود دارد که شامل پوشش ۱۰۰ درصدی روستاها به خدمات اینترنت و دیگری ارتقاء کیفیت شبکه ثابت و دسترسی مردم اتصال فیبرنوری برای منازل و کسب و کارها است. معاون امور دولت، مجلس و استان‌های وزارت ارتباطات گفت: برنامه دولت پوشش ۲۰ میلیون پورت فیبرنوری در کشور بوده که بین استان‌ها تقسیم شده است. وی بیان کرد: از نیمه دوم ۱۴۰۱ طرح توسعه فیبرنوری در کشور شروع شده و استان گلستان یکی از پیشروترین استان‌ها در این زمینه است. باقری اصل اضافه کرد: در شهر گرگان زیرساخت‌های اولیه نصب شده و تا چند هفته آینده عملیات فیبر گذاری شروع خواهد شد و در ۱۳ شهرستان دیگر هم تا هفته دولت این طرح به بهره برداری می‌رسد. معاون امور دولت، مجلس و استان‌های وزارت ارتباطات گفت: فاز اول ایجاد زیرساخت‌ها بوده و فاز دوم اتصال به منازل است تا مردم بتوانند از سرعت بالای اینترنت در توسعه ارتباطات و خدمات استفاده کنند. وی عنوان کرد: برنامه امسال ما این است که دسترسی و پوشش حداقل پنج میلیون پورت را به ۱۰ میلیون پورت برسانیم البته اتصال کسب و کارها سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد. باقری اصل ادامه داد: از منظر پهنای باند گلستان سه برابر مصرف فعلی ظرفیت دارد و ما آمادگی ارتقاء آن را داریم. معاون امور دولت، مجلس و استان‌های وزارت ارتباطات گفت: پوشش ۸۰ درصدی روستاهای بالای ۲۰ خانوار جزو برنامه ششم توسعه بوده و هم اکنون متوسط پوشش به بیش از ۹۰ درصد رسیده و گلستان جزو استان‌های برتر است. وی بیان کرد: در حال حاضر نزدیک به ۹۰ درصد عملیات اتصال روستاهای کشور به اینترنت پرسرعت انجام شده و امیدواریم این طرح تا هفته دولت نهایی شود.





برادران لیلا

کمدی سیاسی ناخواسته



علی فریدونی

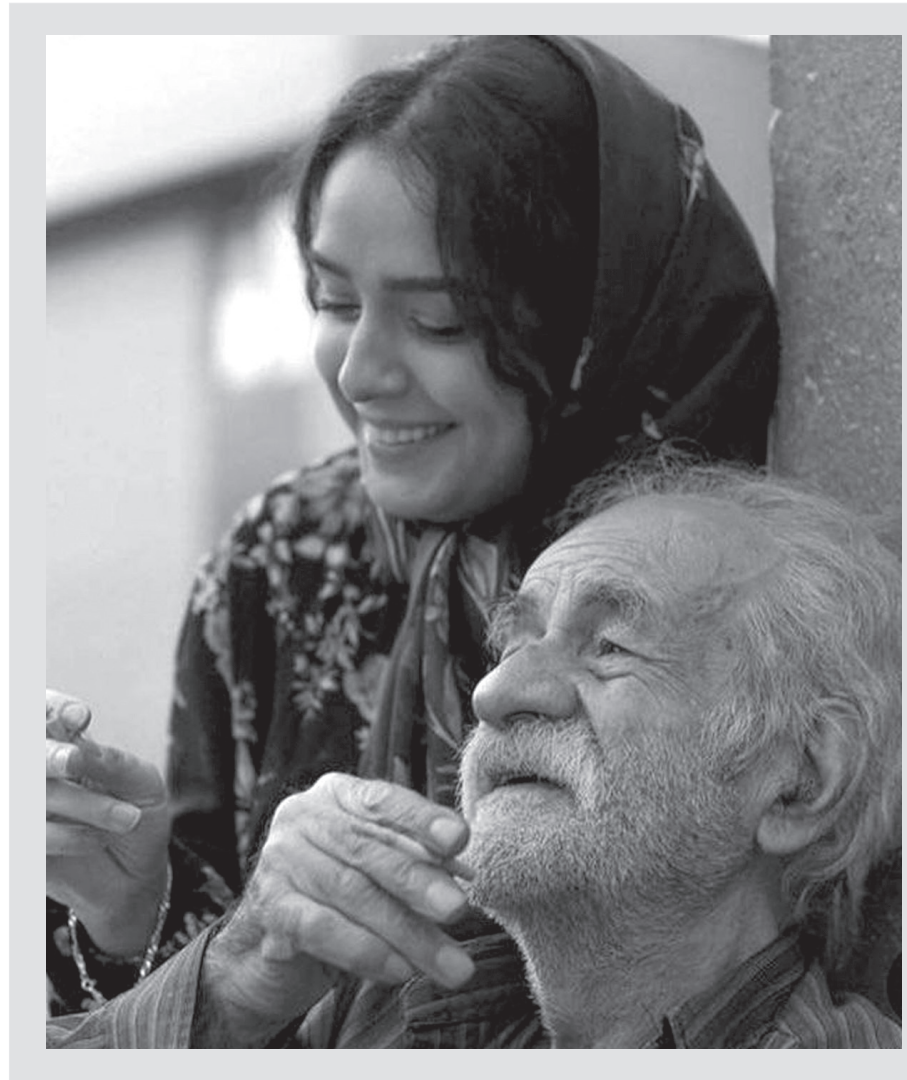
فیلم با روایتی کلاسیک آغاز میشود و ما با چهره های اصلی فیلم و ویژگی های اصلی شان در سکانس های ابتدایی آشنا میشویم. پدر خانواده در جمع فامیل تحقیر میشود و مشخص میشود که برای او هیچ احترامی قائل نیستند. علیرضا به عنوان تنها پسر مورد اعتماد خانواده حتی حاضر به دفاع از حقوق خود نیست و در مواجهه با نیروی سرکوب از محل کارش میگریزد. اما فیلم در ادامه با روایتی که در سینمای ما وجود داشته است سر ناسازگاری دارد و به خاطر همین امر غریب (آگزوتیک) است که این چنین بر سر زبان ها افتاده است. از نحوه صحبت فرزندان و والدین با یکدیگر تا غریب ترین حرکت در سینمای حکومتی ما یعنی سیلی زدن لیلا بر صورت پدرش که هنجار شکنی ای خاص بود. اگر این اتفاقات فیلم را خاص کرده است اما دلیل نمیشود که آن را فیلم خوبی بدانیم چرا که فیلم پر از حفره های گوناگون روایی - تکنیکی است. از ساده لوحی اغراق گونه برادران بگوئیم که چنان ساده نشان داده میشوند که احمقانه ترین پیشنهاد کاری را که حتی یک کودک نیز میتواند بفهمد که کلاهبرداری است را باهوش ترین شان قبول میکند و در نهایت همان کار باعث فرارش از کشور میشود یا طرز برخورد آنها در مجتمع تجاری به گونه ای است که یادآور فیلم های دهه چهل و پنجاه میلادی است که فردی ساده لوح وارد یک شهر بزرگ میشد و با حرکاتش باعث خنده بیننده میشد و انگار روستایی و تیم تولید کننده اش نمیدانند که در زمان حاضر و با دسترسی همگانی به تکنولوژی دیگر کسی با دیدن یک آسانسور شیشه ای دهانش باز نمیماند. از دیگر رویدادهای غریب فیلم میتوان به رسم بزرگ ترین هدیه عروسی از طرف بزرگ فامیل اشاره کرد که در مناطق محدودی از کشور وجود دارد و برای اکثر مردم ایران بزرگ ترین وصله ناجور این لباس نامتناسب است و روایت اغراق آمیزش به گونه ای است که منطق روایی را از دست میدهد و مخاطب را پس میزند و اما آیا روستایی با نشان دادن مودی چون بالا رفتن دقیقه ای قیمت ها سعی در نشان دادن مقصر

نزدیک واقف نشده باشد؟ تورم قیمت سکه یا پامال شدن حقوق کارگران و یا بیکاری جوانان و میانسالان و بزرگسالان چه نمایی از وضع ایران است که ما خودمان از آن بی خبر باشیم؟

قصه شما، آقا یا خانم برادران لیلا چیست؟ سیلی به گوش پدر برای نشان دادن موازین غلط تربیتی خانواده ها؟ یا شکستن شیشه کارخانه های متمولین توسط کارگران ترسو که بالاخره می بایست شجاعت را سرلوحه ترسشان قرار دهند؟ و یا رسوم غلط خانوادگی که منجر به اضمحلال مفهوم خانواده و فامیل شده؟ یا نکند قصه شما قصه آدم هایی است که بر اثر پسر دار نشدن الکلی شده اند؟

آقا یا خانم برادران لیلا شما هیچ قصه ای ندارید، اما مشخص است چه در چنته دارید. شما مانند رسول اف، درمیشیان، مخملباف، قبادی، پناهی مفاهیمی با خط قرمز کمرنگ تری دارید که آنها را در قصه تان ریخته اید. فیلمتان یک همه کاره بیکاره است. چیزی در حدود ۱۵۰ دقیقه سکانس های بی در و پیکر با تدوینی به نام چسباندن قطعات تکه پاره تحویل مخاطب داده اید که چه بگوئید؟ بگوئید که چه بر سر ما آمده؟ در همان جامعه ای که شما تعریفش می کنید، اگر دندان مردی درد بگیرد، یا ماشین راننده اسنپی در چاله ای بزرگتر بیفتد ممکن است برای جبرانش گوشت و مرغ و یا حتی وعده غذایی خانواده به خطر بیفتد. حالا شما، آقا یا خانم برادران لیلا، فیلمی ساخته اید با هزینه میلیاردی، هزینه ای که دود شد و رفت هوا! چطور سکنه نکرده اید؟ چطور می توانید بابت بدهی هایتان زندان نرفته باشید؟ چطور می شود این فیلم در فروشگاه محصولات فرهنگی هنری با پوستر تبلیغاتی به فروش برسد؟ مگر درد فیلم، تورم و اختلاس و بیکاری و بی پولی نیست؟ پس پول این حرف ها را از کجا آوردید؟ روستایی در این فیلم بیشتر از هر چیزی با نمادسازی مورد علاقه اش از مستراح، خواسته طعنه ای به وضعیت زندگی در ایران بزند، نمادی مسخره، سطحی و خام دستانه که انزجار هنری یا به قولی نمایشی آگزوتیک را در کنار آن دیالوگ های ناآشنا و غیرمعمول و روابط صمیمی متمایل به توهین و مثلاً تابوشکن را معنا کند تا بتواند برود پیش گاسپار نونه سلفی بگیرد. مخاطب عام هم به زیبایی هر چه تمام تر گول این پروپاگاندای رسانه ای را می خورد و با دیدنش هوا برش می دارد که به به عجب فیلمی! به سبیلی لیلا اشاره می کند و می گوید بین چگونه آینده را پیش بینی کرد؟! یا با برداشت های نمادگراییانه که از صداها و تصاویر مستراح می کند، چنان خون به شقیقه اش می تپد که انگار رمز داوینچی را بازگشایی کرده! داستان ساده است. به قول فرهاد مهراد: "سلیقه عموم جامعه ابتذال است، نه در ایران بلکه در جهان هم به همین منوال است." هنرمند وظیفه دارد که با این ابتذال بجنگد و سلیقه درست در مخاطبش بوجود بیاورد، اما آقا یا خانم برادران لیلا از این ابتذال به نفع خودش استفاده می کند و برای خودش مشروعیت می خرد. آقای روستایی! ساختن فیلم در راستای سلیقه عموم نه تنها که کار شاقی نیست، بلکه خیانت است، خیانتی که شما برای سلفی گرفتن با گاسپار نونه آن را بر خود و همه ایران روا داشته اید. دست مریزاد به سینمایی که فیلم های توقیفی اش هم چیزی جز ابتذال نیست!

یاد باشو و سگ کشی ها گرمی باد!



یادداشت

هزینه میلیاردی سلفی با گاسپار!



علی درزی

جشنواره و جایزه و فرش قرمز چنان بلایی به جان سینما انداخته که از غرب تا شرق را آفت در بر گرفته. نقد این هفته ما فیلم لو رفته برادران لیلاست که انگار مورد استقبال عموم مردم واقع شده، البته که این استقبال در ایران دو دلیل دیرینه دارد.

۱: پول بلیط سینما نمی دهی

۲: فیلم توقیفیه!

آدمیزاد از سیب بهشت تا جعبه پاندورا عاشق ممنوعه است. حالا در نظر داشته باشید که فیلمی مورد استقبال جشنواره کن واقع شده و ممنوع هم شده باشد و از بد یا خوب ماجرا در همان زمان اتفاقات عجیبی هم در مملکت صاحب اثر رخ داده شده باشد. شاید یکی مثل حاتمی کیا ترجیح می دهد که گزارش یک جشنش در آرشبو خاک بخورد، بلکه در آینده خودش هم از کرده اش پشیمان شود و به وقت شام توبه کند. یکی هم مثل دست اندرکاران برادران لیلا ترجیح می دهد میلیاردها پول به فنا (به دلیل علاقه کارگردان به سنگ توال، شما بخوانید مستراح) برود، بلکه سری میان سرها درآورد.



شده لیلا را تاریک و تار میکند و بار دیگر پیرسالاری و مردسالاری دست پیش میگیرد تا پس نیفتد. آنچه برخی توهین به خانواده می دانند را روستایی نقد بر کانون خانواده و قوانین و سنت هایش میدانند. وقتی اعضای کوچکتر این جامعه مورد حمایت قرار نمی گیرند دیگر این خانواده مرجع و منبع قابل احترامی نمی تواند باشد. آن چیزی که سست است و خودش را مقتدر و حمایتگر نشان نمیدهد، چطور میشود برای خودش اعتبار و احترام برانگیزد؟ اگر بخواهم خود را مخاطب صرف این اثر بدانم باید بگویم آنچه روستایی نشانم داد ابعاد متفاوت خانواده بزرگ جورابلو از فقیرترین شان تا قارداش متکبر و خود بزرگ بین خانواده بود. سکناس مراسم تعویض لباس عزادارها، گریه های لیلا در درمانگاه، تبعیض جنسیت در زایشگاه، سان رفتن اسماعیل تا بلندترین نقطه سالن عروسی، رقص بی عار و بی درد برادران لیلا، با اینکه می دانستند جعبه سکه ها خالی ست، عشق از دست رفته علیرضا، حقه بازی و جدایی منوچهر، حرف های خالی از لطف و مهربانی مادر، ثبت تصویری از پدر برای آگهی ترحیم، آنهم بی اینکه ذره ای لیلا را غمگین کند و پدری که به هر چیزی می اندیشد جز به آتیه فرزندانش. همه و همه مرا به سمتی میبرد که فقط تماشا کنم. منتظر بمانم تا بینم چه به روز این خانواده اساس کسبخته می آید. دست روی دست بگذارم بی آنکه بتوانم احساساتم را جمع و جور کنم و به قضاوت بنشینم. قضاوتی نیست. هیچ قضاوت درستی نمیشود کرد تا زمانی که مخاطب نتواند خودش را جای تک تک کارکنانها بگذارد. این که یک الگو، ولو قدیمی و جا افتاده را ملاک قرار بدهیم و بی آنکه نگاهی به جزئیات شرایط و تاثیر آن بر زندگی و روحیه و رفتارهای شخصیت داشته باشیم، فرد را محق یا ناسپاس بخوانیم، تنها نشان از جزم بودن ما دارد. اگر بدانیم چه کسی چه به روز دیگری آورده، شاید ما را یکبار دیگر پای قصه برادران لیلا به روایت سعید روستایی بنشانند. نقد اساسا بر این پایه استوار ست که به دور از هر گونه جهت گیری مغرضانه به موضوع مطرح شده بنگریم. حالا که همه ی سرگذشت این قصه را به چشم دیده ایم بهتر ست بدون توجه به نحوه به کارگیری ابزار سینما توسط فیلم ساز رسالتی را که او به خود واجب دانسته دنبال کنیم. ممکن ست در پایان، وقتی مرگ اسماعیل لا به لای زرق و برق تزئینات تولد، مسکوت میماند از خود و فیلمساز بپرسیم که خب که چه؟ اما اینجاست که باید به منبع احساسات رجوع کرد و دید آیا از دیدن تصویر یله شده اسماعیل روی صندلی، گرفته می شوی یا نه شادی کینه توزانه ای در دلت می جوشد. این کاوش شاید تنها خواسته فیلم ساز باشد که تو از خودت بپرسی چرا و چطور ممکن ست آن سیلی و این مرگ خاموش در ازدحام شاد باش؟!؟

داده وقت آن ست که مخاطب انتخاب کند سمت برادران لیلا بایستد یا طرح واره های احترام به والدین. ولو والدین بی مسئولیت و مدعی، روستایی، جامعه را می شناسد. سبک سینمایی اجتماعی ست. هر چه تیرگی و چرکست نشان میدهد. حالا سیاه نشان میدهد یا نه، مهم نیست. مهم این ست آنچه از روستایی میبینی حقیقت و واقعیت محض برخی خانواده های ایرانی ست. البته که گاهی اتفاقات و کنش های پیش برنده در فیلم از حد و حدود دیالوگ فراتر نمیرود. شخصیت ها کاسه چه کنم به دست، ازین صرافانی به صرافانی دیگر می روند. یکی، منوچهر حقه باز، فرار میکند و دیگری جشن تولد دختر هایش را برگزار میکند. شاید روستایی خواسته بگوید این قشر فقط و فقط در حد حرف و تصمیمات کلامی می تواند ری اکشن داشته باشند که اگر غیر از این بود حتمن وضعیتشان فرق میکرد. دیالوگ ها به قدری شعاری و پینگ پونگی رد و بدل میشود گاهی در دهان بازیگر نمی چرخد چه برسد به اینکه در ذهن مخاطب بماند. اغلب منتقدین، فیلم برادران لیلا را طغیان علیه سنت و کانون خانواده می دانند و هنجارشکنی های بسیاری که در این فیلم دیده می شود را خطری برای فرهنگ و خانواده می دانند. اما ری اکشن ها و دیالوگ های شخصیت ها را چطور بررسی کرده ایم؟ آیا به اعضای خانواده با نگاهی فرایندی نگریسته ایم؟ یا در مقطع و زمان روایت، رفتارها و کنش های آن ها را سنجیده ایم؟ پدری با اینکه در معقول ترین شرایط سنی ست اما هنوز چشم بروی همه چیز میبندد و خانواده را بخاطر سودای ریش سفیدی به چالشی مخرب می کشاند. مادری که با وجود گذشته و نادانی هایش هنوز حامی پدر و اشتباهاتش است. چرا؟ چون حس همذات پنداری دارد و خب خود او هم گذشته و حالی سراسر پر اشتباه داشته و دارد. بارها شنیدیم که لیلا را بی رحم و سنگ دل و بی ادب خوانده اند اما رفتارهای شخصیت لیلا دقیقا نشان از اتنا بودن شخصیت او دارد. اگر ایناگرام شخصیت را بشناسیم، بخوبی رفتارهای منطقی لیلا را تایید میکنیم. روستایی هم قصه را می شناسد و هم شخصیت ها را. در جامعه کوچک خانواده، اگر بخوبی بنگریم، شاهد پدر و مادرهای غایب بوده ایم. یونگ خود مدعی ست، پدر و مادری که به دلایل متفاوت پشت خانواده نمی ایستند، والدین غایب هستند. حالا همه این ها را بگذاریم کنار، بی مسئولیتی برادران لیلا و بدتر از همه تصمیم گیری نهایی علیرضا که خیال میکند عقلش میرسد و تمام رشته های ریسیدی ی لیلا را پنبه میکند. آینده روشن دیده

بده. لیلا تنها دختر خانواده چشم غره میورد که یعنی ولش کن تو هم. لی لی به لالیشان میگذاری و مرا گرفتار دکتر و درمانگاه میکنی. اسماعیل هنوز توی توالت است که بخاطر کم بودن مواجب ماشینی که امانت به فرهاد، کوچکترین پسرش داده است، سوئیچ را مخفی کرده است و به او نمی دهد و این شاید آغاز آشنایی مخاطب با ذات شخصیت هاست. بعدتر لیلا و علیرضا توی درمانگاه حرف می زنند و از بدبختی ها و راهکار نجات خانواده از این وضعیت می گویند. بایرام عموزاده اسماعیل، پسر پدرخوانده ی مرده و داستان جانشینی اش یک ور دیگر قصه برادران لیلاست. اسماعیل کف کرده است برای بزرگی کردن، برای جانشینی و بزرگی یک خانواده، که اعتبار جمعیتش به چشم و هم چشمی و کی اول ست و چه کسی بیشتر دارد؟ است. حالا که پرویز پسر ارشد خانواده برخلاف میل اسماعیل نمیخواهد اسم بزرگ خاندان، غلام، را روی نوزاد پسرش بگذارد، بایرام به اسماعیل که در حسرت ناباورانه جانشینی ست پیشنهاد می دهد برای طائفه جورابلوها بزرگتری کند. برای که؟ برای خانواده بزرگ جورابلوها. چه کسی بزرگتری کند؟ همین اسماعیل. که پنهان از بچه هایش، بی توجه به گرفتاری آنها، چهل سکه طلا پس انداز کرده است برای روز مبادایش. همان که جیب های پرویز را، وقتی میفهمد اسم عموی فوت شده، الکا پون خانواده جورابلوها را روی نوزاد گذاشته، جیب هایش را میگردد و تخم مرغ و گوجه ها را از تویشان در میآورد و میگوید به امان خدا و هری. همان که اگر اسم نوه اش باب میلش نباشد، همه را از پای سفره بلند میکند و از خانه بیرون می اندازد. همین اسماعیلی که وقتی پایش سر میخورد و از پله سقوط میکند با سکه ها توی مستراح می افتد. حالا لیلا برای جبران تمام بدبختی هایشان خانواده را در عمل انجام شده قرار می دهد و اجازه بذل و بخشش اسماعیل را نمی دهد. با پنهان کردن سکه ها همه آمال اسماعیل را به باد می دهد و پدر سالخورده اش را از آن بالا به زیر میکشد. اسماعیل می ماند و کینه و قهرش نسبت به خانواده و اولاد هایش. کشمکش بالا میگیرد و اجبار فروختن سکه ها و پس دادن مغازه ی پیش خرید شده و رو شدن دروغ های بزرگ و هزار اتفاق دیگر. دست لیلا بالا می رود و سیلی روی صورت اسماعیل فرود می آید. چرا که او پدر را مقصر بدبختی های برادرانش می داند و تنبیه را شایسته او. حالا که سعید روستایی همه زیر و بم رابطه و شخصیت ها و کنش هایشان را نشانت

بودن حاکمیت در وضعیت فعلی مردم دارد؟ اگر به دقیقه به دقیقه فیلم دقت کنیم جوابمان خیر است چرا که در کل فیلم کسی جز مردم در وضعیت فعلی شان مقصر جلوه داده نمیشوند و آنها تنها کسانی هستند که با انتخاب هایشان عامل بدبختی خود هستند نه هیچ عامل دیگری. تمام نمادپردازی هایی که از این فیلم میشود و ارتباط دادن شخصیت های آن به مقامات سیاسی کشور، برگرفته از تخیل سیاسی مردم است که حتی به زمان ساخت فیلم نیز دقت نکرده اند و آن را به اتفاقات چند ماه اخیر مرتبط میدانند که مطمئنا به هیچکدام از آنها کوچک ترین ارتباطی ندارد. فیلم، دیالوگ های بسیاری دارد که پرگویی است و صرفا برای مخاطب غربی و جشنواره ها ساخته شده است و در نهایت اگر فیلم روستایی را سیاسی بدانیم باید آن را در رده فیلم های گاوراس در مقابل فیلم های گدار قرار داد که امر سیاسی در آن بیشتر وجه کمدهی دارد و هیچ اصول و بنیان منطقی ندارد و اگر گاوراس به صورت عمدی کمدهی سیاسی میسازد، روستایی، کمدهی سیاسی ناخواسته ساخته است.

عکس ترحیم برای سنگ توالد



ماهور حاتمی

اسماعیل، پدر خانواده داخل توالت گیر افتاده ست. فشار می آورد و زور میزند، بیوست دارد. از بیرون پسرش علیرضا حالش را می پرسد، میگوید: حالم



پرچم ماه می برافراشته باد

به مناسبت بزرگداشت اول ماه می، روز کارگر



دکتر هاشم موسوی طبقه کارگر به عنوان یک طبقه اجتماعی، زائیده شیوه تولید سرمایه داری است. به همین دلیل، این طبقه زمانی شکل می گیرد که هسته ابتدایی و نطفه آن در دوران فئودالی تشکیل شده است و به تدریج، با رشد این مناسبات، مبارزه با روابط فئودالی نیز آغاز می گردد. نخستین نطفه های این روابط سرمایه داری در سده چهاردهم و پانزدهم، در برخی شهرهای حوزه مدیترانه و در ایتالیا، از جمله در شهرهای فلورانس و بولونیا به وجود آمدند که صنعت مانوفاکتور نخ رسی و پارچه بافی شکل گرفته بود و در واقع این نخستین هسته های تولید سرمایه داری در جهان است که حدود سیصد مؤسسه بزرگ ماهوت بافی فعالیت می کردند و کارگرانی که در آنجا اشتغال داشتند، در اصل، از حالت سرواز به درآمده و نیروی کار خود را به سرمایه داران می فروختند. با پیشرفت صنایع در ایتالیا، به تعداد این کارگران افزوده می شد. این روند توسعه در ایتالیا در سده پانزدهم به اوج خود رسید. پس از آن در آلمان و اسپانیا هم روندهای مشابهی به وقوع پیوستند که هرچند به گستردگی ایتالیا نبودند اما همان راستاراطی می کردند. کارگران معادن آلمان در سده پانزدهم، از ماهرترین کارگران جهانی در رشته های خود بودند. با این تکامل، به تدریج روند سرمایه داری گسترش می یافت؛ اما هنوز خود را تثبیت نکرده بود. تا آنکه در اواخر سده پانزدهم و اوایل شانزدهم، تثبیت روابط سرمایه داری صورت گرفت. در همین قرن شانزدهم بود که در آمستردام هلند نیز مانوفاکتورهای بافندگی آغاز به کار کردند و به تدریج، کارگاه های بزرگی با حدود صد و حتی پانصد کارگر فعالیت می نمودند. پس از این کشورها، در انگلستان قرن شانزدهم و هفدهم، مانوفاکتورهای نساجی، کاغذسازی و شیشه گری، با تعداد حدود ششصد تا چهارهزار کارگر به فعالیت پرداختند. حتی کارگاه های فلزکاری نیز شکل گرفتند. همبطور در فرانسه که مثلاً در شهر تور، تعداد کارگران به چهل هزار نفر هم رسید. با پیدایش سرمایه داری شکل نوینی از استثمار که خاص شیوه تولید سرمایه داری است، ایجاد شد که گاه ساعات کار به ۱۸ ساعت در روز می رسید. مثلاً از ۵ صبح تا ۷ شب کارگران مجبور به کار بودند. روال این ساعات کار در لیون فرانسه مثلاً ۱۸ ساعت، در هلند بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت تعیین شده بود. وضعیت زنان و کودکان به مراتب از مردان دشوارتر بود و از طرفی، حقوق آنها روزانه به نصف تا یک چهارم مردان می رسید. در سال ۱۵۴۹ در انگلستان، قانونی به تصویب رسید که هرگونه اتحاد کارگران را به منظور افزایش دستمزدهای منوع می ساخت. در فرانسه نیز چنین قوانین مشابهی به تصویب می رسید تا به مهار کارگران بپردازند. این شیوه استثمار، به تدریج کارگران را مجبور ساخت تا در برابر سرمایه داران و صاحبان کارخانه جات اقداماتی به عمل آورده و به تدریج متحد گردند. در سال ۱۳۷۸ معروف ترین قیام کارگران موسوم به قیام چومی در فلورانس ایتالیا، که اولین نطفه های سرمایه داری و کارخانه جات شکل گرفته بودند، زبانه کشید. این اعتراضات و شورش ها، مدام در کشورهای اروپایی که پایه تحولات سرمایه داری را گذاشته بودند و به گسترش کارخانه جات می پرداختند، وجود داشت و هرزمان شکل خاصی به خود می گرفت. حتی به شیوه های نظامی هم اقدام می کردند. با رشد سرمایه داری، طبیعتاً به جمعیت کارگران افزوده می شد و بورژوازی که برای سرنگونی سیستم فئودالی گام برمی داشت، از همین تهی دستان شهری در مبارزه علیه فئودالیسم استفاده می کرد و آنان را تحت فرمان خود قرار می داد. به همین دلیل است که مارکس می گوید در این مرحله پرولتروها بر علیه دشمن خود مبارزه نمی کنند؛ بلکه مبارزه آنان بر ضد دشمن دشمن و یا بازماندگان سلطنت مطلقه، مالکین زمین و بورژوازی غیر صنعتی و خرده بورژوازیست. معهداً، مشارکت فعال توده تهی دست شهرها، به ویژه کارگران، در مبارزات ضد فئودالی و انقلابات بورژوازی است که بورژوازی را به جلو سوق می دهد و به همان اندازه که این توده تهی دست در انقلابات شرکت می کند و نقش ایفا می نمایند، به همان نسبت انقلابات بورژوازی در تحقق اهداف خود، رادیکال تر و موفق تر هستند. به عنوان مثال، نقشی که این توده تهی دست از جمله کارگران در انقلاب فرانسه ایفا می کنند، تا بدان حد است که این انقلاب را چنان به جلو سوق می دهد که حتی در مرحله ای از محدوده های جامعه بورژوازی هم فراتر می رود. از همین روست که انقلاب فرانسه در انجام وظایف بورژوا دموکراتیک اش فوق العاده موفق بوده و رادیکال عمل می کند. در ایتالیا و آلمان و انگلستان هم همینطور. درحالیکه به عنوان مثال در انقلاب مشروطیت ایران، به علت ضعف طبقه کارگر است که بورژوازی چندان موفق نیست. بنابراین هرچه قدرت و نقش کارگران در انقلابات بورژوازی بیشتر باشد، در یافت اجتماعی و حکومت بعدی نفوذ بیشتری خواهند داشت و قادر است امتیازات بیشتری برای طبقه خود کسب کند. برخی امتیازات اجتماعی و رفاهی همانند بهداشت و درمان، آموزش و پرورش نیمه رایگان یا حقوق بیکاری در کشورهای اروپایی به ویژه اسکاندیناوی حاصل لطف و محبت بورژوازی به طبقه کارگر نیست بلکه نتیجه نقش کارگران در انقلابهای بورژوازی این کشورهاست و با فروپاشی اتحاد شوروی و از بین رفتن بدیل مقایسه ای، همین امتیازات هم به تدریج از سوی دولت هادر حال پس گیری هستند کما آنکه سن باز نشستگی مرتباً در همین کشورها افزایش می یابد. در حال، انقلابات بورژوازی سده هفده و هجده در هلند، انگلیس، آمریکا و فرانسه، چهره پنهانی را که بر بنیاد نظم فئودالی شکل گرفته بود، دگرگون ساخت. به خصوص در انگلستان و فرانسه که توانست دیگر کشورهای اروپایی را تحت تأثیر خود قرار دهد و راه را برای گذار از تولید مانوفاکتوری به صنعت ماشینی آماده سازد.

یعنی از تولید دستی به تولید ماشینی مبدل نماید. یکی از بزرگترین تحولات در انقلاب صنعتی، اختراع ماشین بخار بود (۱۷۸۴)، و به نوعی محرکه کارخانجات محسوب می شد و با هر اختراع بعدی صنعت ماشینی تکامل بیشتری پیدا می کرد و به سرعت تولید می افزود. اختراع ماشین بخار نه تنها در صنعت کارخانه ای، بلکه در حمل و نقل نیز سهمی بزرگ داشت و به زودی لوکوموتیو و راه آهن و کشتی ها، نقش مهمی در رفت و آمدها و حمل و نقل های کالایی پیدا کردند. در این مرحله از تکامل، انگلستان نقش بالندگی را در اروپا داشت. تکامل انقلاب صنعتی پس از انگلیس در کشورهای که انقلابات بورژوازی را از سر گذرانده بودند، مانند فرانسه، ایالات متحده و سپس آلمان و روسیه و دیگر کشورهای اروپایی به وقوع پیوست. با به پای انقلاب صنعتی، کمیت پرولتاریا نیز اهمیت فوق العاده ای یافت و آن را به یک نیروی اجتماعی عظیم صنعتی و پر اهمیت تبدیل نمود و به موازات آن، رشد شکل ها و رشد آگاهی های طبقاتی آنان نیز ارتقاء پیدا کرد. از طرف دیگر، آزاد شدن نیروهای کاری از بخش کشاورزی، به جمع بیکاران می افزود و این پروسه به کارخانه داران این امکان را می داد که به استثمار کارگران افزوده و آن ها را بیشتر در تنگنای کسب شغل قرار دهند و دستمزدها را به حداقل برسانند و هرچه تکامل وسایل و ابزار تولید نیز افزوده می شد، دستمزدها کارگران هم کاهش می یافت و همچنان ساعات کاری شان حدود ۱۴ تا ۱۸ ساعت باقی ماند. از طرفی، با صنعتی شدن کارخانه جات، کارگران قادر بودند در عرض ۱۰ ساعت کاری، معادل ۱۵/۱۴ ساعت کاری ارزش افزوده تولید کنند که این همه به جیب صاحبان کارخانه جات ریخته می شد. فقدان بهداشت و فشارهای کاری در کارخانه ها باعث می گردید کارگران عمدتاً از بیماری های مزمن رنج ببرند. کودکان کارگران که فاقد غذای کافی و بهداشت بودند، اغلب در کودکی می مردند. انگلیس نقل می کند که در این دوران منچستر، بالغ بر نیمی از کودکان، پیش از رسیدن به ۵ سالگی می میرند. او در مورد شرایط زندگی اسفبار کارگران انگلیسی می نویسد: هر کارگر، حتی بهترین آنها، همواره در معرض بی نانی، یعنی مرگ از گرسنگی، قرار داشته و بسیاری نیز قربانی گرسنگی می گردند. از نظر مسکن هم، همیشه در وضعیت دشوارند. به طوریکه همه خانواده فقط در یک اتاق زندگی می کردند. البته این وضعیت دشوار معیشت و زندگی، اعتراضات و مقاومت شدیدی را از سوی کارگران به همراه داشت. یکی از ابتدایی ترین اعتراضات، جنبش ابزار شکنی بود. بدین شکل که کارگران اقدام به تخریب و شکستن و حتی آتش زدن ابزار کاری، یعنی ماشین های تولید می کردند، این حرکت به جنبش لوویسم معروف شد که اوج آن در قرن نوزدهم، ۱۸۱۱ تا ۱۸۱۷ بود و کارگران حول همین محور متشکل می شدند و دست به اقدامات دسته جمعی می زدند. دیگر اعتراض کارگران، اعتصاب اقتصادی بود. کارگران به تدریج به این نتیجه رسیدند که اعتصابات اقتصادی، سلاح نیرومندی در دست آنها برای به کرسی نشاندن مطالبات روزمره شان است و با این حربه، گاه تا بیست درصد به افزایش حقوق خود دست می یافتند. این حرکات و تظاهرات باعث شدند تا در سال ۱۸۲۴ تاحدی قانون محدودیت ها علیه اتحادیه ها و اعتصاب برچیده شود و به همین خاطر، اعتصابات گسترده تری شکل می گرفت. در مقابل، دولت بسیاری از کارگران را زندانی و برخی را حتی اعدام می کرد. در ایالات متحده آمریکا، با رشد صنعت و افزایش کمی کارگران، طبقه کارگر به نحو روزافزونی اقدام به اعتراضات علیه دستمزدها و همچنین ساعات کاری می نمودند که در این اعتراضات و اعتصابات، زنان و کودکان نیز همراهی می کردند. در پی همین اعتراضات بود که ساعت کاری روزانه ۱۰ ساعت به رسمیت شناخته شد. ولی در کشور روسیه، جایی که مناسبات فئودالی ریشه دار تر بود، روند این توسعه سرمایه داری کندتر صورت می گرفت و آن کشور به حلقه ضعیف زنجیره کشورهای سرمایه داری تبدیل گردید. ازل همین اعتراضات کارگری کشورها بود که ابتدا انجمن های مقاومت های برابر کارفرماها شکل گرفتند و سپس از درون همین انجمن ها، اتحادیه های کارگری به وجود آمدند. در انگلستان که کشور کلاسیک تکامل سرمایه داری بود، این اتحادیه ها زودتر ایجاد شدند. بدین صورت که در ابتدا از درون قهوه خانه ها جاییکه پاتوق کارگران بودند و در آنجا کارگران و استادکاران، برنامه های کاری خود را تنظیم می کردند، شکل گرفتند، محلی که گرفتاری های خود را نیز با یکدیگر در میان می گذاشتند. به عنوان مثال، میزان دستمزدها، ساعات کاری و نارسایی های زندگی و سایر مشکلات، این مکان ها فرصتی بودند برای نزدیکی و همدلی بیشتر آنان. گاهی هم برای کمک به هم، اقدام به ایجاد صندوق های پس انداز و وام می نمودند. تکامل همین مراکز و کلوب ها و انجمن ها و تجمعات، به تشکیل اتحادیه ها ختم شد. با همه این اوصاف در انگلستان در سال ۱۹۲۴ بود که قانون ضد اتحادیه ای لغو گردید و اتحادیه ها توانستند رسماً به تأسیس خود بپردازند. این درحالیست که در روسیه در سال ۱۹۱۷ انقلاب کارگری و کمونیستی پیروز شده بود. تأمل بر این تاریخ ها و وقایع، ما را به نقش رشد و آگاهی طبقه کارگر و همچنین نقش پیشاهنگ طبقه را در این کشورها آگاه می سازد. اما باید به خاطر داشت از آنجا که حاکمیت های سرمایه به هیچ قانون و تبصره ای متعهد نیستند هر زمانی که بخواهند به همه تعهدات خود پشت پا میزنند، به عنوان مثال، با موج حکومت های نئولیبرال و به قدرت رسیدن تقریباً همزمان تاجر، شیراک و ریگان در انگلستان، فرانسه و آمریکا از سال ۱۹۷۹ کارشنکی ها و توطئه ها علیه اتحادیه ها و تشکیل های کارگری در اروپا و آمریکا به خصوص در انگلستان به اوج خود رسید و تقریباً به خنثی سازی و عدم کارایی این تشکل ها منجر گردید. در فرانسه از ابتدای ۱۷۸۹ مبارزات کارگری همواره به شکل مسلحانه شاخص بود، اما تا سال ۱۸۷۱، یعنی کمون پاریس، نتوانستند به پیروزی برسند و کارگران این کشور بارها و بارها دست به انقلاب زدند و پاریس و شهرهای دیگر از جمله لیون، کرارا شاهد سنگربندی های خیابانی کارگران علیه



بورژوازی آن کشور بود. در سال ۱۸۷۱ بود که کارگران توانستند پاریس را فتح کرده و حکومت ۶۰ روزه خود را برقرار نمایند. اما به عللی که بحث مفصل می طلبد، نتوانستند به این پیروزی تداوم بخشند؛ ولی همین پیروزی موقت توانست درس های ارزنده ای به طبقه کارگر جهانی بیاموزد. در آلمان و سایر کشورهای اروپایی به درجات کمتری این کشمکش ها وجود داشت. در آمریکای قرن نوزدهم در کشوری که پیشتر رشد صنعت و سرمایه داری شده بود طبعاً به نیروی بیشتر کاری نیازمند بود تا بتواند به نفوذ دلخواه در سایر کشورهای بپردازد و به گسترش بازارهای خود اقدام کند. به همین منظور، ساعات کاری کارگران را به ۱۴ تا ۱۵ ساعت رسانده بودند. از آن سو با رشد صنعت و رشد آگاهی های طبقاتی کارگران، خواست های آنان برای بهبود شرایط کاری و زندگی بهتر و امنیت شغلی افزایش می یافت. به تدریج تشکل های کارگری همچون سایر کشورهای اروپایی مانند اتحادیه ها و سندیکاها شکل می گرفتند تا از این طریق بتوانند بطور متشکل در برابر اجحاف و فشار کارفرمایان ایستادگی کنند. در سال ۱۸۵۷ کارگران زن نساجی نیویورک به خاطر دستمزدها کم و شرایط سخت کاری اعتراضاتی به عمل آوردند. ۵۰ سال بعد کارگران زن همین کارخانه نساجی دست به اعتراض زدند اما مواجه با آتش سوزی کارخانه شدند؟! در نتیجه ۱۲۹ زن در آتش سوختند؛ به همین دلیل، به همت زن قهرمان و از رهبران جنبش کارگری آلمان، کالارازتکین از سال ۱۹۱۰ این روز یعنی ۸ مارس به عنوان روز زن برگزیده شد و زنان همه کشورهای همه ساله به تکریم این روز می پردازند. با وجود همه تلاش های کارگران، آنان نتوانستند به کاهش ساعات کاری روزانه و هفتگی خود، درتصویب ۸ ساعت کار موفق گردند و با آنکه در سال ۱۸۸۴ در پاسخ تعلق قانون گذاران فرانسویون اتحادیه های صنعتی کارگران آمریکا، ۲ سال دیگر به صاحبان صنایع مهلت دادند که به تصویب ۸ ساعت کار عمل نمایند، اما مقامات همچنان در برابر این درخواست هم ایستادگی نمودند؛ تا آنکه در اول ماه می سال ۱۸۸۶ تظاهرات گسترده ای در بسیاری از شهرهای آمریکا شکل گرفت. ۴ روز بعد یعنی در چهارم ماه می، این تظاهرات به درگیری خونین کارگران با پلیس کشیده شد که منجر به زندانی شدن و اعدام تعدادی از کارگران، احتمالاً ۴ تن، گردید. کشمکش ها ادامه داشت، تا آنکه در اول ماه می سال ۱۸۹۰ تظاهرات گسترده سراسری دیگری صورت گرفت و در سال بعد ضمن برپایی همین مراسم، این روز بعنوان روز بزرگداشت کارگران نامگذاری شد. با پیروزی انقلاب کارگری در سال ۱۹۱۷ در اتحاد شوروی و به تدریج در بسیاری کشورهای دیگر این روز با شکوه بیشتری در همه کشورهای سوسیالیستی به صورت رژه و جشن برگزار گردید؛ اما همواره در کشورهای سرمایه داری با مقاومت و درگیری مواجه بود. ساعت کار روزانه و ۴۸ ساعت در هفته در ۱۹۱۷ برای اولین بار در جهان در اتحاد جماهیر شوروی به اجرا در آمد. سپس از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۳، گذار به ۷ ساعت کار روزانه و ۴۲ ساعت در هفته رسید. در برنامه بود که ساعات کاری به ۵ ساعت در روز تقلیل یابد و بقیه ساعات، کارگران به آموزش مهارت های دیگر بپردازند تا مهارتشان متنوع شود. اما با شروع جنگ دوباره ساعات کاری به ۸ ساعت در روز و ۴۸ ساعت در هفته بازگشت. در ایران پس از انقلاب مشروطه و تشکل یابی کارگران که ابتدا بیشتر در بخش های چاپ و ماهیگیری و بعدها راه آهن و نفت صورت می گرفت، در مواردی بزرگداشت این روز با برگزاری تظاهرات و راه پیمایی ها و اعتصابات همراه بود؛ تا آنکه در سال ۱۳۱۰ رضا شاه پس از تصویب قانون مقابله با مرام اشتراکی (کمونیستی) این مراسم هم متوقف شد. از سال ۱۳۲۰ و برکناری رضاشاه و ظهور مجدد سازمان ها و احزاب سوسیالیست، مجدداً این مراسم، ولو با مخالفت دولت ها، برگزار می شد. اما با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت ملی دکتر مصدق سندیکاها و تشکل های کارگری و احزاب و سازمانهای سیاسی با محدودیت مواجه شدند و دیگر بزرگداشت این روز از جنبه صنعتی و مستقل خود خارج شده و همواره با مخالفت ها و دشواری هایی مواجه می باشد. در پایان به فرض آنکه اول ماه می، روز کارگر به طور رسمی و با اجازه دولت ها هم برگزار گردد جز گامی کوچک در راه آگاهی و نجات این طبقه نخواهد بود و تا زمانی که طبقه کارگر نتواند به کسب قدرت سیاسی پرداخته و خود سرنوشش را به عهده گیرد، وضعیت اسفبار زندگی و معیشت فعلی شان تفاوت چندانی نخواهد یافت. از این جهت باید همواره به این هدف نهایی نگریسته و در این راه گام نهند.

زنان ستون کشاورزی استان

اول ماه می (۱۱ اردیبهشت) به عنوان روز جهانی کارگر در تقویم ثبت شده است

تلاش کنند و هر کسی کار کند نتایج تلاش خود را در همین دنیا می بیند، تجربه زنان کارگر در کشاورزی زیاد بوده و نیاز به راهنمایی و حمایت دولتمردان برای استفاده از این تجربیات و کارآفرینی است. وی بیان کرد: در کنار درختان مردم هندوانه، گوجه و توت فرنگی می کاشتم و برداشت های خوبی هم انجام می شد و کارفرمایان هم از خلاقیت هایم استقبال خوبی داشتند. این بانوی کارگر اظهار داشت: در حوزه کشاورزی زنان علم فراوانی در استان کسب کرده که با کمی حمایت کارآفرینان فردای جامعه خواهند بود.

شور و نشاط در بین زنان کارگر بخش کشاورزی قابل توجه است

معصومه شیخ یکی از بانوان ۴۲ ساله استان هم گفت: ایجاد امید و نشاط در قشر کارگری زنان قابل توجه است و زنان در ارتقا، رشد و توسعه تولید و شکوفایی اقتصاد کشاورزی نقش کلیدی دارند و برای تحقق شعار سال آستین همت خود را بالا زدند. وی افزود: از سن ۱۲ سالگی کارگری کشاورزی می کردم. یک بار که برای وچین پنبه رفته بودم سرکارگرم مرا از گروه جدا کرد و گفت «تو کوچکی و نمی توانی کار کنی». آن روز بدترین روزم بود ولی حالا خودم راهنمای خیلی از بانوان برای فعالیت در بخش کشاورزی هستم. وی اظهار داشت: اعتقاد دارم برای هر فردی که می خواهی کار کنی باید از جان و دل تلاش کنی و مایه بگذاری چون برای فرزندان باید روزی حلال ببری، روزانه ما دو مزد دریافت می کنیم، یک مزد از کارفرمای خود و یک مزد هم وقتی که بیان می کنند «خدا اموات را بیامرزد» و این مزد مالی یکروزه تمام می شود ولی مزد دعای خیر برای آخرت ما هم باقی می ماند.

خیلی دلم می خواهد کارآفرین نمونه در آینده شوم

شیخ گفت: در احادیث و روایات بسیاری گفته شده «از تو حرکت از خدا برکت» وقتی من از خواب بیدار می شوم و قصد رفتن به سر کار می کنم خداوند روزی را می دهد ولی اگر منتظر پشت میز نشینی باشی روزی و خرجی به دست نمی آید. وی افزود: خیلی دلم می خواهد در کنار کارگر نمونه بودن در آینده کارآفرین نمونه باشم چون از صفر تا صد کشاورزی را خودمان انجام دادیم و از کودکی در این حوزه فعالیت داشتیم. به گزارش ایرنا، اول ماه می (۱۱ اردیبهشت) به عنوان روز جهانی کارگر در تقویم ثبت شده است و در کشورمان از پنجم تا ۱۱ اردیبهشت نیز هفته کارگر نامگذاری شده که امسال با شعار کارگر ایرانی، فرهنگ کار و رشد تولید، گرامی داشته می شود.



فعالیت متوجه شدم زنان گلستانی در تولید گوجه، پنبه و محصولات کشاورزی بیشترین سهم را داشته و رشد و تولید محصولات وابسته به حضور کارگران زن بوده و با تلاش های خود در کنترل تورم هم می توانند موثر باشند. وی افزود: بیشتر کارهای کشاورزی از جمله تیشه، نشاء، وچین و فروش را زنان کارگر انجام می دهند و ستون بخش کشاورزی گلستان هستند. وی اظهار داشت: پول

پس از اینکه ازدواج کردم تمام تلاشم را در رفاه و آسایش فرزندانم گذاشته و در این راه از چیدن میوه و سبزی، نشاء برنج، وچین مزارع، برداشت باقالی تا فروش محصولات کشاورزی در کنار خیابان انجام داده و با پول حلال فرزندانم را بزرگ کردم. وی افزود: جامعه امروز در تمام دنیا به گونه ای شده که حتما باید زنان یا به پای مردان کار کنند که البته در تولیدات کشاورزی نقش ما زنان پررنگ تر است

گلستان با یک میلیون و ۸۶۹ هزار نفر جمعیت در شمال ایران قرار دارد و اقتصاد اصلی ساکنان آن بر پایه کشاورزی بوده و خدمات و صنعت در رتبه های بعدی اشتغال استان بوده است

کارگری از هر پولی حلال تر بوده و من هم با همین پول آبرومندانه فرزندان خود را بزرگ کردم و خوشحالم در رزق و روزی محتاج هیچ فردی نشدم و اگر افراد زحمت نکشند هیچکس نیست که روزیش را دهد و از قدیم هم بزرگترهای ما گفتند «برو کار کن مگو چیست کار که سرمایه جاودانی است کار». عذرا فکور بانوی ۴۷ ساله ای که مشغول پاک کردن باقالی است، گفت: از بچگی همراه پدر و مادر در زمین های مردم کار می کردم و اصل کار در کشاورزی زنان هستند و اگر نباشند پرتقال، سیب، آلو، توت فرنگی، شالی و باقالی را کسی از روی درختان نمی چینند. وی افزود: برای پیشرفت و توسعه در زندگی زنان هم باید

و تلاش، همستگی و همدلی زن، شوهر و فرزندان در کنار یکدیگر در کاهش تأثیرات تورم در زندگی تأثیرات ویژه ای دارد. این بانوی کارگر بیان کرد: برخی از هم روستایی ها از کار کردن در زمین های کشاورزی و فروش محصولات کشاورزان در کنار جاده خجالت می کشند ولی باید بگویم که بهتر است زنان با عرق پیشانی و وجدان کاری کودکانشان را بزرگ کنند تا دستانشان را جلوی هر مرد و نامردی دراز نکنند. نوربیبی خنبرپور بانوی ۵۶ ساله گلستانی هم که مشغول فروش نخودفرنگی های تازه مزرعه های اطراف بوده در این ارتباط گفت: در زمین های مردم کارگری کردم، در این بیش از چهار دهه

زنان کارگر در گذشته های سخت و پر پیچ و خم کشاورزی ایفاگر نقشی مهم و اساسی در فرایند کاشت، داشت، برداشت و فروش محصولات هستند و به مثابه نگینی درخشانده و همیشه پویا، در رشد تولید و بهبود جایگاه اقتصادی و کشاورزی گلستان نقش مهمی دارند. به گزارش ایرنا، گلستان با یک میلیون و ۸۶۹ هزار نفر جمعیت در شمال ایران قرار دارد و اقتصاد اصلی ساکنان آن بر پایه کشاورزی بوده و خدمات و صنعت در رتبه های بعدی اشتغال استان بوده و زنان کارگر گلستانی به عنوان موتور پیشران کشاورزی استان، همواره ایفاگر نقشی مهم و اساسی در راه نیل به رشد، تعالی و شکوفایی این بخش هستند که با توجه به شعار سال در بخش رشد تولید با همت و کوشش مضاعفی در زمین های کشاورزی استان کار می کنند. کسانی که به استان سرسبز و شمالی گلستان سفر می کنند حکایت های تأثیرگذاری از تلاش زنان کارگر در زمین های کشاورزی نقل می کنند که از این زنان تأثیرگذار گلستانی تلاشهایی را همانند یک معلم یاد گرفتند. پای صحبت این بانوان پر تلاش و گمنام استان می نشینیم؛ همشهریان و هم استانی هایی که حرف ها و ناگفته های زیادی از نقش تأثیرگذار خود در رشد تولید کشاورزی دارند و حالا می توانند حرف های نگفته خود را بازگو کنند. مریم شبیک بانوی جوان و زیبایی که از کودکی در زمین های کشاورزی مردم از جمله پنبه، شالیزار، گندم و نخود فرنگی کار کرده حرف های زیادی برای گفتن دارد، می گوید: در فصل کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی در گرگ و میش بامداد به زمین رفته و همراه با تاریک شدن هوا به خانه برمی گردیم. این بانوی ۳۹ ساله افزود: ما زنان کارگر با تلاش های صادقانه و شبانه روزی به صورت مستقیم در اقتصاد کشاورزی تأثیرگذار بوده و پیشرفت و توسعه این حوزه را رقم می زنیم. وی اظهار داشت: زنان کارگر زیادی همانند من، بیش از سه دهه مشغول فعالیت در بخش کشاورزی به صورت مستقیم هستند که برخی از آنها خلاقیت بسیاری داشته که چنانچه به آنها توجه شود منجر به افزایش اشتغال، استمرار تولید و تامین امنیت غذایی استان خواهد شد.

کارگران زن در اقتصاد ایران نقش مستقیمی دارند

آمنه بزی، بانوی ۴۶ ساله گلستانی یکی دیگر از زنان کارگر نمونه استان است که سختی های روزگار و اجبار زمانه برای تامین معیشت فرزندان او را به کارگر بخش کشاورزی تبدیل کرده که برای تامین هزینه زندگی کفش و کلاه کرده است. او به ایرنا گفت: قبل از ازدواج خانواده ام اجازه کار نمی دادند و نیازی هم به کار نداشتم ولی

اجتماعی گلستان افزود: در سال ۱۴۰۲ تلاش خواهیم کرد مدت زمان رسیدگی به پرونده های کارگری را به ۳۸ روز کاهش دهیم. خواجه مظفری از وجود ۳۶۴ تشکیل کارگری و کارفرمایی فعال در گلستان خبر داد و گفت: از این تعداد ۲۷۸ تشکیل در حوزه کارگری و ۸۸ تشکیل در حوزه کارفرمایی فعالیت دارند. وی تأکید کرد: پیش بینی می شود تعداد تشکیل های کارگری و کارفرمایی استان گلستان در سال جاری به ۴۰۰ مورد افزایش یابد.

کرده است. خواجه مظفری ادامه داد: در سال گذشته سه هزار و ۸۱۴ پرونده کارگری و کارفرمایی در گلستان مورد رسیدگی قرار گرفته که از این تعداد هزار و ۴۷۴ پرونده معادل ۳۹ درصد منجر به سازش شده است. به گفته وی، میانگین زمان رسیدگی پرونده های کارگری به ۴۴ روز کاهش یافته این در حالی است که مدت زمان رسیدگی به پرونده های کارگری و کارفرمایی در سال ۱۴۰۰، به میزان ۵۶ روز بوده است. مدیرکل تعاون، کار و رفاه

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گلستان گفت: سال گذشته سه هزار و ۸۱۴ پرونده کارگری در گلستان مورد رسیدگی قرار گرفت که از این تعداد هزار و ۴۷۴ پرونده معادل ۳۹ درصد منجر به سازش شده است. به گزارش روابط عمومی، حسینعلی خواجه مظفری، در آئین افتتاح سی امین مؤسسه کاریابی گلستان اظهار کرد: خوشبختانه در فروردین ماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل میزان پرونده اختلاف کارگری و کارفرمایی ۲۱ درصد کاهش پیدا

۳۹ درصد پرونده های شکایت کارگری منجر به صلح شد

